

سنجش دانش داوران فوتبال از مسائل حقوقی مرتبط با حرفه داوری

حمیدرضا میرصفیان

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه اصفهان*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف سنجش دانش داوران فوتبال شهر اصفهان از مسائل حقوقی مرتبط با حرفه داوری انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش را کلیه داوران فوتبال شهر اصفهان در سال (۱۳۹۴) که به صورت فعال با هیأت فوتبال آن شهر همکاری داشتند، تشکیل دادند ($N=100$). روش انتخاب حجم نمونه روش کل شمار بوده که از این میان تعداد ۵۲ نفر از داوران با درجات داوری مختلف در این پژوهش شرکت داشتند. از یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته ۸۰ سؤالی در قالب ۱۲ بعد به عنوان ابزار اندازه گیری استفاده گردید (روایی ۰/۷۳؛ پایایی: ۰/۸۵). نتایج پژوهش نشان داد که داوران فوتبال شهر اصفهان از آگاهی کافی در مورد مسائل حقوقی مرتبط با حرفه داوری برخوردار نمی باشند ($P \leq 0/05$). به بیان دیگر، اگرچه آگاهی آن‌ها از برخی حیطه‌های وظایف قانونی داوری کافی است؛ اما دانش آن‌ها از نتایج عدم اجرای وظایف مربوطه، عناصر لازم جهت تحمیل مسئولیت مدنی، معیار یک داور متعارف و چگونگی ورود به دعاوی قضایی مناسب نمی‌باشد. در این ارتباط، شاید سیستم آموزش داوری، کمبود منابع علمی مرتبط، عدم پوشش رسانه‌ای، عدم حمایت دانشگاهی و آگاهی نامناسب جامعه ورزش نسبت به مسائل حقوقی ورزش از جمله عوامل مؤثر بر دانش داوران فوتبال نسبت به مسائل حقوقی مرتبط با حرفه داوری باشد.

واژگان کلیدی: دانش حقوقی، داور، فوتبال، وظایف قانونی

مقدمه

داوری در دنیای ورزش یکی از جنجالی‌ترین بحث‌های محافل ورزشی و حقوقی است که در این میان، داوری در فوتبال به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد این رشته و تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن در جامعه از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد؛ از این رو، در محافل مختلف همواره اشتباهات داوری و تلاش برای کاهش و به حداقل رساندن آن مطرح بوده است؛ حال این که مباحث مرتبط با مسائل حقوقی داوری، وظایف قانونی داوران و مسئولیت مدنی آن‌ها در رشته‌های مختلف ورزشی و به‌ویژه در رشته فوتبال کمتر مطرح می‌گردد؛ از این رو، در این پژوهش سعی بر آن است تا دانش داوران فوتبال در مورد مسائل حقوقی مرتبط با داوری در این رشته مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژه داور از نظر حقوقی به شخصی اطلاق می‌گردد که مجاز به قضاوت در یک رشته ورزشی از سوی فدراسیون ورزشی مربوطه باشد. نحوه قضاوت داوران در مسابقات از نظر فنی در حیطه بررسی‌های حقوقی قرار نمی‌گیرد (محمدی‌نژاد، میرصفیان و سلطان حسینی، ۲۰۱۲، ۲۸). درحقیقت، نحوه قضاوت داور تا آن جاکه منجر به آسیب و یا ضرر جانی، مالی، حیثیتی و غیره به دیگران نشود، از شمول حقوق ورزشی خارج است؛ حال این که قصور داوران در اجرای وظایف قانونی محول شده می‌تواند منجر به طرح دعاوی حقوقی علیه آن‌ها و احتمالاً تحمیل مسئولیت مدنی بر آن‌ها گردد.

مسئولیت ناشی از حوادث ورزشی تحت نظر قواعد عمومی مسئولیت مدنی در هر کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد^۱ (زوروزکی^۲، ۱۹۹۹، ۵۹). قواعد مسئولیت مدنی شامل مجموعه قوانینی است که برای حمایت از حقوق افراد در مقابل دخالت و تجاوز غیرمنطقی افراد دیگر به کار می‌رود (دوبس^۳، ۲۰۰۱، ۴۹) و وظیفه آن الزام فرد خطاکار به جبران خسارت می‌باشد؛ به عبارت دیگر، اولین وظیفه حقوق مسئولیت مدنی این است که با رفع ضرر از متضرر و تحویل آن به عامل زیان، موقعیت متضرر را به حالت قبل از تحمیل ضرر تبدیل کند (کتون و کتون^۴، ۱۹۷۷، ۸۳). ذکر این نکته ضرورت دارد که هدف از حقوق مسئولیت مدنی، مجازات افراد به دلیل افعال خلاف قانون آن‌ها نیست؛ بلکه هدف، جبران خسارت فرد زیان‌دیده می‌باشد (استندلر^۵، ۲۰۱۱، ۵).

۱. به‌عنوان مثال ماده یک قانون مسئولیت مدنی: "هرکس بدون مجوز قانونی به‌طور عمد و یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان، سلامتی، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجارتي و به هر حق دیگری که به‌موجب قانون برای افراد در نظر گرفته شده است، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد."

2. Zurowski
3. Dobbs
4. Keeton & Keeton
5. Standler

داوران در مسابقات ورزشی ممکن است در نتیجه فعل و یا ترک فعلی که منجر به ورود خسارت به ورزشکاران و یا دیگر شرکت کنندگان شود، متحمل مسئولیت شوند (اسچوت^۱، ۲۰۰۵، ۱۰). علی‌رغم این که بیشتر این افعال عمدی نمی‌باشند، حقوق مسئولیت مدنی هر دو مورد خسارات عمدی و سهوی را پوشش می‌دهد؛ اما پیش از این که داور مسئول خسارت وارد شده به ورزشکاران یا دیگر افراد قلمداد شود، عناصر لازم برای تحمیل مسئولیت به وی باید فراهم شده باشد. مصادیق این عناصر عبارت هستند از:

۱. وظیفه مراقبتی که داور نسبت به شرکت کنندگان در مسابقه ورزشی (اعم از ورزشکاران، مربیان، برگزارکنندگان و غیره) برعهده دارد که اولین قدم در اثبات تقصیر داور بوده (اسچوت، ۲۰۰۵، ۱۱) و با توجه به ماهیت ورزش‌ها متفاوت است (زوروزکی، ۱۹۹۹، ۵۹).
۲. نقض آن وظیفه توسط داور که معمولاً به‌قصور در اجرای وظیفه مربوطه و یا عمل کردن به آن در سطحی پایین‌تر از استاندارد تعریف می‌شود و اثبات آن برعهده ورزشکار آسیب‌دیده می‌باشد (لومیس^۲، ۲۰۰۱، ۸۵).

۳. ورود خسارت به ورزشکار یا ورزشکاران؛ بدین‌معنا که نقض وظیفه توسط داور، عامل ایجاد خسارت به ورزشکار شده باشد (کارپنتر^۳، ۲۰۰۰، ۴۸).

۴. رابطه سببیت بین فعل داور و ورود آسیب به شرکت کنندگان در حین رقابت ورزشی (استندلر، ۲۰۱۱، ۱۰)؛ بدین‌معنا که ورزشکار آسیب‌دیده باید ثابت کند که فعل و یا ترک فعل داور، علت حقیقی ورود آسیب به او بوده است (اسچوبرت، اسمیت و ترنتادو^۴، ۱۹۸۶؛ هارت و ریتسون^۵، ۲۰۰۲، ۴۵).

این عناصر باید به‌صورت فردی و در ارتباط با فعل داور در طول مسابقه بررسی شود و اثبات آن وظیفه ورزشکار (و یا دیگر شرکت کنندگان) زیان‌دیده از فعل و یا ترک فعل داور می‌باشد. باید توجه داشت که فقدان هر یک از این عناصر چهارگانه مانع از جبران خسارت ورزشکار زیان‌دیده تحت نظر قانون خواهد شد (کادکین^۶، ۲۰۰۷، ۱۰).

-
1. Schot
 2. Loomis
 3. Carpenter
 4. Schobert, Smith & Trentadue
 5. Hart & Ritson
 6. Cadkin

اثبات تقصیر داور اغلب زمانی پیچیده تر می شود که یک ورزشکار به دلیل فعل ورزشکار دیگر آسیب دیده باشد و در این ارتباط داور مورد تعقیب قانونی قرار بگیرد. در این حال، این موضوع مطرح می شود که آیا فعل بازیکنی که موجب ورود خسارت به ورزشکار دیگر شده است، به صورت منطقی قابلیت پیش بینی و کنترل را توسط داور داشته است یا خیر؟ در حقیقت، در نظر قضاوت کنندگان تنها این که فعل داور توالی مداوم حوادثی باشد که منجر به آسیب ورزشکار شده است، کفایت می کند^۱ (کارپنتر، ۲۰۰۰، ۵۳). یکی از روش هایی که در بیشتر دادگاه ها برای تشخیص این موضوع مورداستفاده قرار می گیرد، بررسی تمامی فاکتورهای بروز حادثه به غیر از فعل داور است که در این صورت، نقش داور در بروز آسیب مشخص می گردد (محمدی نژاد و همکاران، ۲۰۱۲، ۲۷).

به طور کلی، داوران در دو حالت ممکن است مورد تعقیب قانونی قرار گیرند. حالت اول در ارتباط با خساراتی است که از فعل و یا ترک فعل داور به شرکت کنندگان در یک رقابت ورزشی وارد می گردد (که شرایط و ضوابط آن شرح داده شد).

حالت دوم با بررسی تصمیمات و آرای داوران در رقابت های ورزشی از نظر قضایی مرتبط می باشد. در حقیقت، تصمیم داور (خواه خطا در قضاوت و یا ناشی از عدم اجرای قانون) به ندرت منجر به طرح دعوی قضایی می شود و خواهان یا فرد زیان دیده در این زمینه موفق نخواهد بود؛ زیرا، دادگاه ها در سراسر دنیا عموماً تمایلی به بررسی و دخالت در تصمیمات گرفته شده توسط داوران در میداين ورزشی ندارند (محمدی نژاد و همکاران، ۲۰۱۲، ۲۷)؛ مگر این که مشخص شود که تصمیمات داور بر پایه فساد، سوء نیت و یا تقلب بوده است (ونگ^۲، ۲۰۱۰، ۲۹).

متأسفانه، مسائل حقوقی در ورزش به طور کلی و وظایف و اختیارات قانونی شرکت کنندگان در رویدادهای ورزشی در کشور از اهمیتی که باید برخوردار نبوده و نه از سوی مجامع حقوقی و نه مجامع ورزشی به صورت کامل و جامع مورد توجه قرار نمی گیرد (محمدی نژاد و میرصفیان، ۲۰۱۵، ۵۶۳)؛ به همین دلیل، تاکنون مطالعات چندانی در ارتباط با مسائل حقوقی حرفه داور و به ویژه وظایف قانونی داوران در رشته های مختلف ورزشی صورت نگرفته است. در این راستا، در ارتباط با اندک پژوهش های انجام شده می توان به پژوهش محمدی نژاد و همکاران (۲۰۱۲) که با هدف بررسی مسئولیت مدنی داوران در رشته های مختلف ورزشی انجام گرفت، اشاره کرد که در آن به بررسی ابعاد مختلف مسئولیت مدنی داوران بر اساس قوانین حقوق ورزشی اتحادیه اروپا و آمریکا پرداخته شد. محمدی نژاد و

۱. به بیان دیگر، اگر چندین دلیل منجر به ورود آسیب به ورزشکار شده باشد و یکی از آن ها فعل داور باشد، داور نیز مسئول است؛ اگرچه فعل و یا ترک فعل او علت مستقیم آسیب نباشد.

2. Wong

میرصفیان (۲۰۱۵) نیز اخیراً در بررسی دانش حقوقی مربیان ورزشی دانشگاه‌های ایران پس از ارزیابی کمی و کیفی دانش مربیان رشته‌های مختلف ورزشی در مورد مسائل حقوقی مرتبط با حرفه مربیگری و نیز بررسی کیفی ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی - اقتصادی مربیان بیان کردند که دانش مربیان دانشگاه‌های ایران در مورد مسائل حقوقی مرتبط با مربیگری کافی نبوده و آن‌ها از اختیارات و وظایف قانونی خود و مسائل مرتبط با انواع مسئولیت‌های قانونی در صورت عدم اجرای وظایف خود آگاهی مناسبی ندارند. افزون‌براین، در پژوهش مذکور مشخص شد که موقعیت اجتماعی مربیان دانشگاهی که برخی از آن‌ها مربیان مطرح استان‌های خود بودند، موقعیت مناسبی در مقایسه با دیگر مشاغل هم‌رده خود نبوده و آن‌ها از موقعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی مناسبی در کشور برخوردار نیستند. در پژوهشی دیگر نیز محمدی‌نژاد (۲۰۱۴) آگاهی مربیان رشته‌های مختلف ورزشی ایران از وظایف قانونی خود را به صورت کمی و کیفی مورد سنجش قرار داد. در این پژوهش وظایف حقوقی مربیان در هفت حیطه مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن حاکی از دانش ناکافی مربیان از وظایف قانونی خود در ارتباط با ورزشکاران بود. نکته حائز اهمیت در پژوهش مذکور، عدم تأثیر فاکتورهای تجربه و درجه مربیگری در دانش مربیان در مورد وظایف مطرح شده بود که این نتایج با یافته‌های پژوهش بنیان و کاشف (۱۳۹۳) که دانش مربیان ورزشی از وظایف قانونی و مسائل مرتبط با مسئولیت مدنی را مناسب ارزیابی کردند، تفاوت دارد. کاتوزیان (۱۳۷۸) نیز در بررسی خطاها و مسئولیت‌های ورزشی به ارائه دورنمایی از قوانین ورزشی پرداخت و در پی آن خطاهای ورزشی و مسئولیت‌های ناشی از آن را در سه حیطه مورد بررسی قرار داد. همچنین، در بررسی مسئولیت‌های قانونی مربیان در مقابل ورزشکاران، محمدی‌نژاد و همکاران (۲۰۱۳) ابعاد وظایف و مسئولیت‌های مربیان در رشته‌های مختلف ورزشی را براساس قوانین موجود در اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار دادند و به بیان تفاوت‌های موجود در وظایف و به تبع آن مسئولیت‌های مربیان در رشته‌های مختلف ورزشی پرداختند.

با توجه به نبود پژوهش‌های مرتبط با مسائل حقوقی حرفه داوری و به ویژه وظایف قانونی داوران فوتبال در رقابت‌های ورزشی و شرایط و ضوابط تحمیل مسئولیت به آن‌ها، پژوهش حاضر با هدف سنجش دانش داوران فوتبال در مورد مسائل حقوقی مرتبط با حرفه داوری صورت گرفت و در ادامه، عوامل مؤثر بر دانش آن‌ها در این ارتباط بررسی گردید.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات کاربردی و توصیفی - پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را تمامی داوران فوتبال مرد شهر اصفهان در سال (۱۳۹۴) که به صورت فعال با هیأت فوتبال آن شهرستان فعالیت می‌کردند (N=۱۰۰) (درجه سه: ۳۰؛ درجه دو: ۴۲؛ درجه یک و بالاتر: ۲۸ نفر) تشکیل دادند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه برابر کل جامعه استفاده شد که از میان تمام داوران، ۵۲ نفر از آن‌ها در درجات مختلف داوری (درجه سه: ۱۷؛ درجه دو: ۲۰؛ درجه یک و بالاتر: ۱۵ نفر) به پرسش‌نامه‌ها به صورت کامل پاسخ دادند (درصد پاسخ‌گویی: ۵۲ درصد). شایان ذکر است که علت استفاده از این روش نمونه‌گیری، عدم تمایل داوران به پاسخ‌گویی به سؤالات به دلیل ارتباط موضوع آن با مسائل حقوقی و قانونی حرفه داوری و فوتبال (حتی با توجه به کسب اطمینان نسبت به رعایت کامل مسائل اخلاقی و محفوظماندن نام آن‌ها) بود.

در این پژوهش به دلیل فقدان ابزاری مناسب از پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته استفاده شد که در ساخت آن، متون و مقالات حقوقی در زبان‌های مختلف^۱، نظرات صاحب‌نظران حقوق ورزشی و کارشناسان ورزش دادگستری و رویه‌های قضایی مورد استفاده قرار گرفت. این پرسش‌نامه دانش حقوقی داوران فوتبال را در ۱۲ حیطه (بررسی و بازدید، آگاه کردن، شرایط محیطی، حفظ محیط رقابت، اجرای قوانین، نظارت، ورزشکار آسیب‌دیده، مفاهیم مسئولیت مدنی، وظیفه مراقبت، نقض وظیفه، خسارت، و رابطه سببیت) و با ۸۰ سؤال مورد سنجش قرار می‌دهد. سؤالات این پرسش‌نامه به صورت بسته پاسخ با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) طراحی شده است که به ترتیب نمرات یک تا پنج به سؤالات تعلق می‌گیرد. نسخه اولیه این پرسش‌نامه ابتدا با ۱۰۰ سؤال طراحی گردید. سپس، به منظور تعیین روایی محتوایی آن از ۱۱ نفر از صاحب‌نظران با مدرک دکتری در رشته‌های مدیریت ورزشی (پنج نفر)، حقوق (پنج نفر) و حقوق ورزشی (یک نفر) خواسته شد تا هریک از سؤالات را در یک طیف پنج‌ارزشی لیکرت (از خیلی ضعیف تا خیلی خوب) ارزیابی نمایند که ۲۰ سؤال در طیف ضعیف و خیلی ضعیف قرار گرفت. میانگین نمره ارزیابی صاحب‌نظران از ۸۰ سؤال باقی‌مانده معادل (۴/۲۶) بود که بیانگر روایی قابل قبول ابزار می‌باشد. روایی پرسش‌نامه همچنین براساس ضریب کندال برابر با (۰/۷۳) محاسبه گردید که حاکی از روایی مناسب ابزار بود. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه نیز پس از انجام یک مطالعه مقدماتی و تعیین واریانس سؤالات، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که پایایی ابزار نیز پس از کسب ضریب ۰/۸۵ تأیید گردید.

۱. فارسی، انگلیسی و مجاری

ازسوی دیگر، به منظور تحلیل استنباطی داده‌های به دست آمده از ابزار اندازه‌گیری آزمون‌های تی تک‌متغیره و تحلیل واریانس آنوا استفاده گردید که بدین منظور، نرم‌افزار اس.پی.اس.اس^۱ نسخه ۱۹ مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج

این پژوهش با هدف سنجش دانش داوران فوتبال در مورد مسائل حقوقی مرتبط با حرفه داوری انجام گرفت. بر مبنای نتایج، دانش داوران فوتبال از برخی حیطه‌های قانونی داوری به میزان قابل قبولی ارزیابی گردید؛ حال آن که دانش آن‌ها در ارتباط با برخی از این حیطه‌ها کافی نبود. این نتایج در جداول شماره یک تا سه ارائه گردیده است.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره یک، دانش حقوقی داوران فوتبال به میزان مناسبی ارزیابی نمی‌گردد ($M=2/45$). به بیان دیگر، از آنجایی که میانگین دانش داوران فوتبال از نمره ملاک ($3/00$) پایین تر بوده و این میانگین معنادار است ($P=0/01$)، دانش آنها با سطح مطلوب فاصله دارد.

جدول ۱- دانش حقوقی داوران فوتبال

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار T	سطح معناداری
دانش حقوقی داوران فوتبال	۲/۴۵	۱/۰۲	۲/۷۸	* ۰/۰۱

* $P \leq 0/05$

نتایج جدول شماره دو نشان می‌دهد که دانش حقوقی داوران فوتبال از مؤلفه‌های بررسی و بازدید ($M=4/25$)، شرایط محیطی ($M=3/78$)، حفظ محیط رقابت ($M=3/66$)، اجرای قوانین ($M=4/12$)، نظارت ($M=4/55$) و ورزشکار آسیب‌دیده ($M=3/69$) کافی می‌باشد؛ اما دانش آن‌ها در ارتباط با مؤلفه‌های آگاه کردن ($M=2/03$)، مفاهیم مسئولیت مدنی ($M=2/00$)، وظیفه مراقبت ($M=1/69$)، نقض وظیفه ($M=1/63$)، خسارت ($M=2/27$) و رابطه سببیت ($M=1/89$) مناسب ارزیابی نمی‌شود ($P \leq 0/05$).

جدول ۲- دانش حقوقی داوران فوتبال به تفکیک مؤلفه‌های پرسش‌نامه (نمره ملاک: ۳/۰۰)

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار T	سطح معناداری
بررسی و بازدید	۴/۲۵	۰/۷۷	۶/۷۷	۰/۰۰۱*
آگاه کردن	۲/۰۳	۰/۸۹	۴/۴۲	۰/۰۰۱*
شرایط محیطی	۳/۷۸	۰/۶۶	۳/۲۵	۰/۰۲*
حفظ محیط رقابت	۳/۶۶	۰/۸۴	۳/۲۰	۰/۰۰۱*
اجرای قوانین	۴/۱۲	۰/۹۲	۶/۵۱	۰/۰۰۱*
نظارت	۴/۵۵	۰/۸۶	۷/۲۶	۰/۰۰۱*
ورزشکار آسیب دیده	۳/۶۹	۰/۹۱	۳/۲۹	۰/۰۱*
مفاهیم مسئولیت مدنی	۲/۰۰	۰/۶۹	۴/۵۳	۰/۰۰۱*
وظیفه مراقبت	۱/۹۶	۰/۷۵	۴/۶۰	۰/۰۰۱*
نقض وظیفه	۱/۶۳	۰/۷۷	۴/۸۹	۰/۰۰۱*
خسارت	۲/۲۷	۰/۸۹	۳/۱۱	۰/۰۲*
رابطه سببیت	۱/۸۹	۰/۹۰	۴/۵۷	۰/۰۰۱*

* $P \leq 0.05$

نتایج آزمون آنوا (جدول شماره سه) در مقایسه دانش حقوقی داوران براساس درجه داوری آن‌ها (درجه یک، دو و سه) نشان داد که تفاوت معناداری میان دانش حقوقی داوران فوتبال براساس درجه داوری آن‌ها وجود ندارد ($P \leq 0.05$). به بیان دیگر، درجه داوری تأثیری بر دانش حقوقی داوران نداشته است.

جدول ۳- مقایسه دانش حقوقی داوران فوتبال براساس درجه داوری

گروه	منبع تغییرات	مجموع مجدورات	دامنه تغییرات	میانگین مجدورات	مقدار F	سطح معناداری
بین گروهی	۰/۳۶۰	۲	۰/۱۸۰			
درجه داوری	درون گروهی	۴۰/۴۶۷	۴۹	۰/۸۲۶	۰/۳۹	۰/۶۷
	کل	۴۰/۸۲۷	۵۱	-		

* $P \leq 0.05$

بحث و نتیجه گیری

امروزه، طرح دعاوی قضایی از جمله وقایعی است که محیط ورزش را نیز دربر گرفته و تمامی جوانب آن را تحت تأثیر قرار داده است. داوری در ورزش همواره از جایگاه حساسی برخوردار بوده و داوران در اجرای وظیفه خطیر خود به صورت بالقوه موضوع بحث محافل مختلف ورزشی و حقوقی می‌باشند؛

از این رو، بحث در ارتباط با مسائل حقوقی که داوران با آن درگیر هستند، وظایف و مسئولیت‌های قانونی آن‌ها در رقابت‌های ورزشی و نتایج عدم اجرای وظایف مربوطه، عناصر لازم جهت تحمیل مسئولیت مدنی، معیار یک داور متعارف و چگونگی ورود داوران به دعاوی قضایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

در این راستا، پژوهش حاضر با هدف سنجش دانش حقوقی داوران فوتبال شهر اصفهان انجام گرفت و نتایج آن گویای این مطلب بود که داوران فوتبال این شهر به‌عنوان نماینده‌ای از جامعه داوران فوتبال کشور، از دانش و آگاهی کافی در مورد حیطه‌های مرتبط با وظایف حقوقی خود در مسابقات فوتبال برخوردار هستند؛ اما دانش آن‌ها در حیطه‌های مرتبط با نتایج حقوقی عدم اجرای وظایف مربوطه به میزان مطلوبی ارزیابی نشده است. به بیان دیگر، دانش داوران به‌غیر از حیطه آگاه کردن ($M=2/03$) (آگاه کردن ورزشکاران از خطرات بالقوه رقابت)، از حیطه‌های بررسی و بازدید ($M=4/25$) (بررسی و بازدید زمین و محل مسابقه، وسایل و تجهیزات ورزشی، بدن، تجهیزات و لباس‌های ورزشی شخصی ورزشکاران و مدارک آن‌ها)، شرایط محیطی ($M=3/78$) (شرایط آب‌وهوایی، دما، رطوبت، میزان نور، تهویه، فاکتورهای جوی و غیرجوی)، حفظ محیط رقابت ($M=3/66$) (حفظ محیط رقابت از ورود افراد خارج از مسابقه و وسایلی که منجر به آسیب به بازیکنان می‌شود)، اجرای قوانین ($M=4/12$) (اجرای کامل قوانین و قواعد ورزشی)، نظارت ($M=4/55$) (نظارت منطقی بر فعالیت ورزشکاران، محیط مسابقه، روند و اجرای صحیح رقابت، تجهیزات و پرسنل پزشکی و مسئولان برقراری امنیت) و ورزشکار آسیب‌دیده ($M=3/69$) (اطمینان از سلامت ورزشکاران پیش از آغاز رقابت، رسیدگی به درمان ورزشکار صدمه‌دیده، اجازه ورود پرسنل پزشکی به محیط مسابقه و حصول اطمینان از سلامت ورزشکار آسیب‌دیده در زمان ورود مجدد به رقابت) که همگی مرتبط با وظایف حقوقی آن‌ها در مسابقات ورزشی می‌باشند، به‌میزان کافی ارزیابی شد؛ اما دانش آن‌ها در مورد حیطه‌های مفاهیم مسئولیت مدنی ($M=2/00$) (مفهوم مسئولیت مدنی و ارتباط آن با حرفه داوری)، وظیفه مراقبت ($M=1/69$) (حفظ سلامت و تأمین ایمنی شرکت‌کنندگان در رقابت‌های ورزشی و استاندارد مراقبت)، نقض وظیفه ($M=1/63$) (فعل و یا ترک فعل داور در ارتباط با نقض وظایف)، خسارت ($M=2/27$) (مفاهیم و ابعاد مختلف خسارت بالقوه جسمی، مادی، معنوی و یا ترکیبی که ممکن است داور را مسئول سازد و شرایط ایجادشده در صورت وجود این عنصر) و رابطه سببیت ($M=1/89$) (مفاهیم سببیت و تأثیر آن بر مسئولیت داوران) که از حیطه‌های مرتبط با مسئولیت مدنی هستند، به‌میزان کافی ارزیابی نگردید که این امر بدان معنا است که داوران از نتایج، شرایط و عواقبی که از نظر قانونی در صورت عدم اجرای وظایف قانونی خود به‌وجود خواهد آمد، آگاه نمی‌باشند که این موضوع می‌تواند

مشکلاتی جدی را برای داوران و به تبع آن‌ها برای کمیته‌های داوری در استان‌ها و فدراسیون فوتبال به وجود آورد. عمق و شدت این مسأله زمانی که به عدم تفاوت میان دانش حقوقی داوران در ارتباط با مسائل قانونی حرفه داوری براساس درجه داوری آن‌ها می‌نگریم، بیشتر نمایان می‌شود. درحقیقت، ارتقای درجه داوری و در پی آن افزایش تجربه در این حرفه در طول زمان نیز نتوانسته است بر دانش و آگاهی داوران در ارتباط با موضوع مورد بحث تأثیرگذار باشد که این امر جای تأمل بسیار دارد.

آگاهی ناکافی داوران فوتبال از مسائل حقوقی مرتبط با داوری از جهات مختلفی قابل بررسی است: * داوران معمولاً بیشتر اطلاعات و آگاهی خود را از کلاس‌های مرتبط با ارتقای درجه داوری و یا کلاس‌های توجیهی با مرجعیت فدراسیون فوتبال به دست می‌آورند؛ اما درحقیقت، سیستم آموزش داوران در آن فدراسیون کامل نبوده و دارای نواقص بسیاری (حداقل در حیطة حقوق ورزشی) می‌باشد. در واقع، در بررسی عناوین و سرفصل‌های کلاس‌های مربوطه به صورت ویژه جایی برای مسائل حقوقی داوری وجود نداشته و داوران در درجات مختلف داوری تنها پس از آموختن، مرور و تفسیر قوانین بازی فوتبال^۱ و انجام تمرینات آمادگی جسمانی مرتبط با داوری در آن رشته که البته همگی با حقوق ورزشی نامرتب هستند، امکان ارتقای درجه داوری خود را به دست می‌آورند.

* از سوی دیگر، منبع قابل ملاحظه و دردسترس دیگری در ارتباط با مسائل حقوقی مرتبط با داوری فوتبال در کشور وجود ندارد. کتب حقوق ورزشی حاضر در کشور بیشتر به بررسی اجمالی مبانی مقدماتی حقوق ورزشی پرداخته و به وظایف حقوقی داوران در آن کتب تنها به صورت کلی و اجمالی، آن هم در چند حیطة و به شکل محدود اشاره شده است. نشریه قابل ذکر نیز در ارتباط با مسائل داوری فوتبال در کشور وجود ندارد و این در حالی است که در دیگر کشورها مانند انگلستان، مدت‌ها است که مجله اختصاصی داوری فوتبال^۲ توسط فدراسیون فوتبال آن کشور منتشر می‌شود و در آن تمامی مسائل فنی و قانونی مرتبط با داوری در این رشته به صورت علمی و تخصصی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* بررسی مسائل داوری فوتبال توسط رسانه‌های گروهی نیز علی‌رغم وجود شبکه اختصاصی ورزش در تلویزیون ملی کشور به ندرت صورت می‌گیرد که در این برنامه‌ها نیز جایی برای مسائل حقوقی داوری وجود ندارد.

۱. قوانین ۱۷ گانه فوتبال شامل (زمین بازی، توپ، تعداد بازیکنان، وسایل بازیکنان، داور، کمک‌داوران، مدت بازی، شروع و شروع مجدد بازی، توپ در بازی و خارج از بازی، چگونگی به‌ثمر رسیدن گل، آفساید، خطاها و رفتار ناشایست، ضربه‌های آزاد، ضربه پنالتی، پرتاب اوت، ضربه دروازه و ضربه کرنر) می‌باشد.

2. Refereeing

عدم وجود منابع مرتبط با مسائل حقوقی داوری در ورزش به‌طور کلی و به‌ویژه در فوتبال، شاید به دلیل عدم مراجعات دادگاهی و طرح دعاوی حقوقی مرتبط با مسائل و تخلفات داوری در کشور باشد (محمدی‌نژاد و همکاران، ۲۰۱۲، ۳۱) که این مسأله ناشی از آگاهی پایین جامعه ورزش (اعم از ورزشکاران، مربیان، سرپرستان، داوران و غیره) از حقوق قانونی خود و امکان رسیدگی قانونی و طرح دعاوی حقوقی در صورت تجاوز به آن حقوق است. درحقیقت بنا بر تصور عامه جامعه ورزش، آسیب‌های ورزشی به صورت کلی و خسارات واردشده ناشی از اشتباهات داوری، جزئی از طبیعت ورزش‌ها و رقابت‌های ورزشی بوده و قابلیت پیگیری قانونی و طرح دعاوی حقوقی را ندارد (محمدی‌نژاد و میرصفیان، ۲۰۱۵، ۵۶۰).

از دیگر دلایل نبود منابع مرتبط با مسائل حقوقی در حرفه داوری، عدم توجه به حقوق ورزشی در دانشگاه‌های کشور (چه در حیطه حقوق و چه در حیطه علوم ورزشی) می‌باشد. درحقیقت، نه تنها به حقوق ورزشی (علی‌رغم اهمیت آن) به عنوان یک گرایش تحصیلی توجه نمی‌شود؛ بلکه تحصیل این مفاهیم در حد دو واحد درسی اختیاری در مقطع کارشناسی، تنها برای دانشجویان رشته تربیت بدنی تعریف شده است که این موضوع خود بر کمیت و کیفیت کتب منتشرشده، نشریات و پژوهش‌های مرتبط با حقوق ورزشی و مسائل قانونی مرتبط با داوری در ورزش تأثیرگذار می‌باشد؛ از این رو، جای تعجب نیست که دانش داوران فوتبال نسبت به مسائل حقوقی حرفه داوری (علی‌رغم اهمیت زیاد و حساسیت آن) به میزان کافی نمی‌باشد؛

لذا، با عنایت به موارد فوق و وجود کاستی‌های بسیار در ارتباط با دانش ناکافی داوران رشته پرحاشیه فوتبال در مورد مسائل قانونی مرتبط با حرفه داوری پیشنهاد می‌گردد که در دوره‌های آموزش داوران فوتبال با مرجعیت فدراسیون تجدیدنظر کلی صورت گیرد. انتشار نشریات مرتبط با مسائل داوری در فوتبال نیز می‌تواند در این زمینه اثرگذار باشد. از سوی دیگر، توجه به "حقوق ورزشی" حداقل به عنوان یک گرایش در مقطع کارشناسی ارشد در دانشکده‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی می‌تواند گام مهمی در راستای ارتقای آگاهی جامعه آکادمیک ورزش و به تبع آن تمامی اهالی درگیر در ورزش از مسائل قانونی مرتبط با ورزش و حقوق ورزشی باشد.

بطور کلی دانش جامعه ورزش کشور در حال حاضر در ارتباط با حقوقی ورزش به صورت کلی و مباحث حقوقی مرتبط با حرفه های مختلف موجود در این جامعه گسترده و بویژه در ارتباط با حرفه داوری بسیار اندک می باشد که این خود متأثر از علل و عواملی است که به پاره ای از آنها در این پژوهش اشاره گردید.

تلاش پژوهشگر در این پژوهش در وهله اول ارائه مطالبی هر چند اندک در ارتباط با مباحث حقوقی مرتبط با حرفه داوری، وظایف قانونی داوران در رقابت های ورزشی و در قبال ورزشکاران و همچنین شرایط تحمیل مسئولیت مدنی به آنان بوده که در ادامه آن گزارشی از دانش داوران فوتبال در ارتباط با مطالب مذکور و بررسی علل و عوامل اثرگذار بر آن ارائه گردید که می تواند آغازی برای انجام پژوهش های مرتبط با مباحث حقوقی ورزش در حرفه داوری در کشور باشد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمامی داوران مشارکت کننده در این پژوهش قدردانی می گردد.

منابع

1. Bonyan, A., & Kashef, M. (2006). The different legal viewpoints between male and female sport coaches in the sport events. *Applied Research in Sport Management*, 2(8), 79-90. (Persian).
2. Cadkin, J. (2007). Sports official liability: Can sue if the ref missed a call. *Journal of the University of Denver Sturm*, 9(4), 1-13.
3. Carpenter, L. J. (2000). *Legal concepts in sport: A primer*. Sagamore IL: Champaign. 73-98.
4. Dobbs, D. B. (2001). *The law of tort*. LA: West Publishing Co. 43-56.
5. Hart, J. E., & Ritson, R. J. (2002). *Liability and Safety in Physical Education and Sport*. LA: AAHPERBD. 34-48.
6. Katuzian, N. (1999). Sport faults and sport responsibility. *Law and Political Sciences*, 43, 37-57. (Persian).
7. Keeton, W. P., & Keeton, R. F. (1977). *Torts: Cases and materials*. Minnesota: St. Paul: West Publishing Co. 77-89.
8. Loomis, J. (2001). The emerging law of referee malpractice. *Seton Hall Journal*, 9, 73-88.
9. Mohamadi Nejad, A. (2014). *Assessment of coaches' knowledge regarding their legal duties toward athletes*. (Unpublished doctoral dissertation). Semmelweis University, Budapest, Hungary. (Persian).
10. Mohamadinejad, A., & Mirsafian, H. (2015). Connection between the legal knowledge and social background of sports coaches at Iranian universities. *Iranian Studies*, 48(4), 551-66.
11. Mohamadi Nejad, A., Mirsafian, H., & Kiraly, I. (2013). Legal relationship between coach and athlete. *Magyar Sporttudományi Szemle*, 14(3), 4-8. (Hungarian).
12. Mohamadi Nejad, A., Mirsafian, H., & Soltan Hoseini, M. (2012). Civil liability of referees in the sport competitions. *Journal of Human Sport and Exercise*, 7, 24-34. (Persian).

13. Schobert, G., Smith, R., & Trentadue, J. (1986). Sport law (advisory board American casebook series, hornbook series and basic legal text, nutshell series and black letter series). USA: West Croup Pub. 89-102.
14. Schot, N. (2005). Negligent liability in sport. Sports Law E Journal, 1-14. Retrieved 2015, Apr. 27, from <http://epublications.bond.edu.au/cgi/viewcontent.cgi?article=1001&context=sle>
15. Standler, R. (2011). Elements of torts in USA. Retrieved 2015, Apr. 14, from <http://www.rbs2.com/torts.pdf>.
16. Wong, G. (2010). Essential of Sports Law. Westport: Connecticut, ABC-CLIO Publishers. 21-34.

استناد به مقاله

میرصفیان، حمیدرضا. (۱۳۹۶). سنجش دانش داوران فوتبال از مسائل حقوقی مرتبط با حرفه داوری. مطالعات مدیریت ورزشی، ۹(۴۴)، ۳۷-۵۰. شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2017.2131.1444

Mirsafian, H. (2017). Assessment of Football Referees' Knowledge from Law Issues Related to Referring Career. Sport Management Studies, 9(44), 37-50. (Persian). Doi: 10.22089/smrj.2017.2131.1444

Assessment of Football Referees' Knowledge from Law Issues Related to Referring Career

H. Mirsafian

Assistant Professor of Sport Management, University of Isfahan*

Received: 2016/02/11

Accepted: 2016/12/21

Abstract

This study aimed to assess the knowledge of football referees from law issues of refereeing career. The total population of this study included all of the football referees in Isfahan in 1394 (2015) which actively cooperated with the football association of that city (N=100). 52 referees in various referring levels participated in this study. A self-constructed questionnaire includes 80 questions, in the form of 12 dimensions, employed in this research (validity: 0.73, reliability: 0.85). The results indicated that football referees do not have sufficient knowledge regarding law issues related to refereeing career ($P \leq 0.05$). In other words, regardless of their sufficient knowledge from some dimensions of legal refereeing duties, their knowledge from the results of breaching their duties, required factors for imposing liability to them, the criteria of standard referee, and the possible ways that they might enter to litigation are not sufficient. In these regards, the education system of referees, lack of related scientific sources, lack of media coverage, lack of supporting from universities, and insufficient knowledge of all people involved in sport from law issues of sport, might be, are the effective factors on knowledge of football referees in these regards.

Keywords: Football, Legal Duties, Legal Knowledge, Referee

* Corresponding Author

Email: Hamid.Mirsafian@gmail.com